

تریلوی دوست داشتن

بابک قهرمانی



نشرینل

تابستان ۱۴۰۰

فهرست

۳۵	کاش عکسی از تو داشتم	همیشه برای پنهان کردن چیزی هست
۳۸	مالیخولیا	لیکور و کله
۳۹	لبانت	سبز لور کایی
۴۰	شبگرمه	موسیقی سکوت
۴۱	شعر نو	موج نو
۴۲	بیمودگی	فصل کر کردن
۴۳	رویابین	عید پاریس
۴۴	سنگار	... نمی ماند
۴۵	ممیزی	راخمانینوف
۴۶	توهم	سیریف
۴۷	درد بدرقه	شب بخیر فلسفه
		... در پاریس
	شاعر حراج شده	میکلاو
۵۰	کیش مهر	مرگواره
۵۱	درخشش	چنگجو در زمان صلح، با خودش می جنگد
۵۲	حسرت	بهار مرگ
۵۳	نت لا	خط آخر
۵۴	دلگرفته	بوسه ها ...

۵۵	به خدای کلمه که شاعر شدم	۵۵	ناامید
۵۶	رستگاری	۵۶	ترانه نوین
۵۷	... تا ابد	۵۷	از ماینز تا نیشابور
۵۸	شراب سب	۵۸	پست مدرن
۵۹	آتش به جان	۵۹	يك لحظه تا يك عمر
۶۰	اعتراف	۶۰	رُمنوشته
۶۱	فدریکو گارسیا	۶۱	نماند تا غزل شود
۶۲	بودای مسلمان	۶۲	اسپرسو
۶۳	مجدلیه و جولجتا	۶۳	ببخش عزیزم، ببخش
۶۴	گیتار در نیروانا	۶۴	حیرانی
۶۵	چهار شب يك رویا بین	۶۵	تنهای مردد
۶۶	غزلشید	۶۶	شب
۶۷	داغیاد	۶۷	گریه‌ی شور و تلخ شب
۶۸	خوشبختی	۶۸	امروز
۷۰	قطبیت	۷۰	پاریس گردی
۷۲	تطهیر	۷۲	بینا ...
۷۳	همصدا	۷۳	دون آدون
۷۴	بانو خدای من	۷۴	فَلامِنِکو
۷۶	آن نُت هشتم، تویی	۷۶	آبالا ... در ترجمه: سخن بگو ...
۷۷	جادوی روزهای اول	۷۷	پناهم بده ...
۷۸	مُدِلَمَکاس	۷۸	اکوفمنیس
۷۹	Long Distance (روایت اول)	۷۹	دلگرفته
۸۰	Long Distance (روایت دوم)	۸۰	تضاد
۸۱	دوئل در آینه	۸۱	سکوت
۸۲		۸۲	به آندلس قسم ماشه را سرباز کشید

مقدمه شاعر:

بارها خوانده‌ایم که شعر، زمانه‌ی سرد و فلزی را تعدیل می‌کند. بارها خوانده‌ایم که شعر در برابر خشونت زندگی ایستادگی می‌کند. بارها خوانده‌ایم که شعر زبان گویای خدا و جهان آفریده شده‌ی اوست. تمام این تعابیر از داستایوفسکی تا ملویل شاعر همه درست است اما دست کم برای من در این سه دفتر، شعر اتفاق متفاوتی است.

بیش از ۱۵ سال دور بودن از خود و به لطف يك عاشقانه کوتاه - که به نظرم تمام کرامتش در موجز بودنش خلاصه شده بود - دوباره به خود رسیدن و امروز سه دفتر را به لذت حضور زیباترین‌ها منتشر کردن، لطفی است که شعر در حق من کرده است. در تمام لحظات این سه دفتر، که شامل بیش از ۱۲۰۰ روز زندگی من می‌شود، گاهی در زمان نوشتن ساعت‌ها گریه می‌کردم و گاهی روزها با لبخند رضایت بخشی از يك قطعه کوتاه شعر شده، زندگی را ادامه می‌دادم. شعر برای من - دست کم در این سه دفتر - چیزی شبیه بازی با طعم تلخ آخرین جرعه از يك نوشیدنی ناب بُردو است، که همیشه دقایقی بعد از نوشیدن، آرام آرام به درکش می‌رسیم. لذتی از

درك حادث شدن لحظات نابی در گذشته، كه نه به اندازه لحظات رخ دادن اتفاق، ولی به اندازه يك خلق و آفرینش، سُكرآور است و نایاب.

درك و لذت دوباره از عاشقانه‌های رخداده، آن جادویی است كه شعر برای من دارد. گاهی این آفرینش به خلق گونه‌ای از واقعیت خودساخته و بازسازی شده به لطف كلمه می‌رسد و گاهی هم به لذت بردن از يك اتفاق هنوز آشنای ستایش‌انگیز. شعر برای من، در این سه دفتر، لذت فهم و درك عمیق و مضاعف از بهترین لحظات زندگی‌ام است.

برای من هر آنچه زندگی کردم، شعر و كلمه شد. امیدوارم شما هم با لذت‌های زندگی کرده‌ی خود، مرا در این سه دفتر بخوانید تا شاید این همزیستی با عاشقانه‌هایمان دنیا را به جای بهتری - حداقل برای خود ما - تبدیل کند.

لذت می‌برم كه می‌خوانید مرا.

لذتتان مستدام.